

افغانستان متشکل
از یک اجتماع
سنتی با ۷۳ درصد
جمعیت روستایی
است که چالش
جدی در زمینه
دولت-ملت سازی
دارد. سیاست
در افغانستان
رنگ و بویی کاملاً
قومیتی دارد.
طبیعتاً در چنین
بستری آب و زمین
موضوع بسیار
کلیدی است

شوروی در فضای جنگ سرد جست و جو کرد. بنابراین طرف های سوم چه در جایگاه حکمیت، چه از طریق اجرای پروژه های عمرانی در هلمند افغانستان و چه به صورت مداخله و اشغال این کشور، تأثیر بسیار جدی بر روابط ایران و افغانستان گذاشته اند.

آیا احداث سد ارغنداب و کجکی در خاک افغانستان هم تأثیر منفی گذاشته است و آیا آن دو سد می تواند یک فاجعه زیست محیطی برای خود افغان ها هم محسوب شود یا خیر؟

در حال حاضر مهم ترین موضوع مضر برای هر دو طرف «سد انحرافی کمال خان» است. این سد انحرافی با طراحی کنونی منافع جدی برای افغانستان ندارد و با انحراف آب به یک شوره زار، آب را از دسترس خود افغان ها نیز خارج و بلااستفاده می کند، همچنین مانع اصلی برای تحویل حقایق ایران مطابق معاهده ۱۳۵۱ هیرمند است. دست آخر حقوق محیط زیست و آب ورودی به تالاب های بین المللی هامون را نادیده می گیرد و مهم ترین عامل بروز و گسترش طوفان های گرد و خاک برای تمام ساکنین زابل ایران و زرنج افغانستان شده است. از این منظر کارکرد این سد یک فاجعه زیست محیطی برای خود افغان ها هم محسوب می شود. این در حالی است که در ماده ۵ معاهده ۱۳۵۱ هیرمند، مصرحاً مشخص شده است که افغانستان نباید هیچ اقدامی انجام دهد که مانع تحویل حقایق ایران شود. دیگر اینکه باید الزامات و نیازهای درونی افغانستان را نیز درک کرد. افغان ها برای اینکه موضوعاتشان را حل کنند، نیاز به توسعه دارند. ثبات و پیشرفت افغانستان به نفع تمام کشورهای همسایه است اما توسعه از طریق سدسازی، نباید منجر به آسیب به همسایگان، محیط زیست و حتی مردم خود افغانستان شود. به عنوان مثال در خصوص سد انحرافی کمال خان، امکان اصلاح این سد وجود دارد به گونه ای که هر دو طرف از منافع آب هیرمند بهره مند شوند و در جهت ایجاد منفعت متقابل برای هر دو کشور عمل نماید.

این مسأله از اول حضور آقای کرزای تا آخر دولت اشرف غنی، نسبت به ایران چه تفاوت هایی کرد؟

واقعیت این است که ما برای بهبود جدی در روند تعاملات با افغانستان نیاز به استفاده از «پیوند موضوعی» با افغانستان داریم. پیوند موضوعی یک تاکتیک چانه زنی است که با وارد کردن موضوعات دیگر به مذاکره به دنبال حل و فصل اختلافات است. این مهم ضرورت طراحی و تدوین طرح هایی را در نهادهای بالادست و تخصصی می طلبد. همچنین تحلیل تحولات درونی افغانستان و بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور به ما در فهم مشکل کمک می کند.